

عاشورا در مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی



• متین مدنی *

چکیده

مثنوی طاق‌دیس سروده ملا احمد نراقی (۱۲۴۵-۱۱۸۵ق) ست؛ فقیه، متکلم و عارف نامدار شیعه که در اواخر دوره قاجار می‌زیست و سراینده یکی از مهم‌ترین منظومه‌های عرفانی-مذهبی فارسی است؛ به نحوی که به زعم برخی عالمان، این مثنوی به مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی پهلوی می‌زند. مثنوی طاق‌دیس بالغ بر ۱۱۵۰۰ بیت است و سراینده در بخش‌های آخر آن به تفصیل به واقعه کربلا و حرکت امام حسین (ع) از مدینه تا روایت شهادت ایشان پرداخته است. آنچه این منظومه را در میان اشعار عاشورایی ممتاز می‌سازد، رویکرد ویژه ملا احمد در مستند سرودن و ترکیب روایت و حماسه با یکدیگر است. این مقاله می‌کوشد با بررسی ابیات مربوط به امام حسین (ع) و واقعه عاشورا در مثنوی طاق‌دیس، شیوه روایتگری نراقی را تبیین کرده و آن را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: امام حسین (ع)، عاشورا، مثنوی طاق‌دیس، ملا احمد نراقی، قاجار، ادبیات آیینی.

۱. ملا احمد نراقی

ملا احمد بن محمد مهدی نراقی، متخلص به صفایی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) در شهر نراق، استان مرکزی به دنیا آمد. او پس از فراگیری علوم دینی نزد پدرش ملا مهدی نراقی، به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در محضر بزرگانی چون سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء به تحصیل پرداخت. او پس از وفات پدرش، مرجعیت را در کاشان عهده دار شد. ملا احمد نراقی، تألیفات متعددی در علوم مختلف اسلامی دارد که مستند الشیعة، عوائد الایام و کتاب اخلاقی معراج السعادة معروف ترین آن ها هستند. او در جریان حمله روس ها به ایران و اشغال مناطقی از آن، سرپرستی مردم در تظاهرات را بر عهده داشت. ملا احمد نراقی را از نخستین فقیهانی دانسته اند که مسئله ولایت فقیه را به صورت یک مسئله فقهی تبیین و برای اثبات آن از ادله نقلی و عقلی استفاده کرد. او برای نخستین بار تمام وظایف و اختیارات حاکم اسلامی و ولی فقیه را به صورت یک جا در کتاب عوائد الایام جمع آوری کرد.^۱ ملا احمد نراقی در عصر قاجار و در دوران پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، که روس ها قسمتی از نواحی شمالی ایران را اشغال کرده بودند، زندگی می کرد. او از مجتهدانی بود که به لزوم جهاد در برابر روس فتواداد و همراه با تعدادی از مجتهدان برای تشویق سپاهیان، به اردوی سپاه ایران ملحق شد.^۲ قدرت و تأثیر ملا احمد تا حدی بود که در شهر کاشان، به دلیل بی کفایتی حاکم آن شهر، وی توانست حاکم را از آن شهر بیرون کند و به دلیل این اقدام، موجب خشم فتحعلی شاه نیز قرار گرفت. اما سرانجام، شاه نیز مغلوب جایگاه و شخصیت معنوی و علمی ملا احمد شد.^۳

۲. مثنوی طاقدیس

۱- محسن کدیور؛ نظریه های دولت در فقه شیعه، ص ۱۸

۲- میرزا فضل الله خاوری شیرازی؛ تاریخ ذوالقرنین؛ ج ۱، ص ۶۱۶

۳- محمد بن سلیمان تنکابنی؛ قصص العلماء، ص ۱۳۳

مثنوی طاق‌دیس اثری اخلاقی-عرفانی است که با زبان شعر و در قالب داستان‌های تمثیلی، به اخلاق، مناجات، عرفان، مباحث تعلیمی و آیینی و مدح و مرثیه اهل بیت (ع) می‌پردازد و راه درست سیر و سلوک عرفانی را بر اساس آموزه‌های شیعی بیان می‌کند. این منظومه شامل داستان‌های متعددی است که در قالب مثنوی و با زبان شعر بیان شده‌اند. از حیث سبک و سیاق، به نظر می‌رسد که از مثنوی مولوی تأثیر پذیرفته باشد؛ با این حال، ملا احمد داستان‌های تمثیلی خاصی را در این مثنوی به کار گرفته است که در مثنوی مولوی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، مثنوی طاق‌دیس در مواردی مانند: معصومیت پیر و مراد، التزام به توصیف و مدح اهل بیت (ع)، و نگاه خاص به واقعه عاشورا با مثنوی مولوی اختلاف نظر دارد.^۴ اما از موارد مهمی که در هر دو مثنوی وجود دارد، نقد فلاسفه و برخی صوفیان است که خود را بی‌نیاز از مباحث شرعی می‌دانند و فقط به بحث‌های فلسفی محض و یا مباحث عرفان نظری روی آورده‌اند. نراقی آن‌ها را در قالب این داستان تمثیلی بیان می‌کند:

آن یکی گردیده محو فلسفه	خویش را دانا شمرده از صفه
فکر او تحدید اطراف و جهات	کار او تشریح حیوان و نبات
از قدیم آمد جهان یا حادث است	آفریدش یا عبث یا عابثست
بی خبر لیکن ز احکام اله	می‌نداند جز نمازی گاه گاه
صد دلیل آرد پی تجرید نفس	نفس او لیکن به صد زنجیر حبس
نغز می‌گوید اشارات شفا	مبتلا لیکن به درد بی دوا
از نماز و روزه گر پرسند از او	خنده آرد زیر لب چین بر برو
کای فلان این را برو از عامه پرس	نه ز من علامهء فہامه پرس
وهم پنداری به هم آمیختی	شوری از چون و چرا انگیختی
نامش استدلال و برهان ساختی	مهره چیدی و قماری باختی ^۵

۴- مرتضی خوش‌نیت و شهروز جمالی؛ «مقایسه مثنوی طاق‌دیس ملا احمد نراقی با مثنوی مولوی از منظر فرم و محتوا»

۵- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۱۱۳

۳. ساختار روایت عاشورا در مثنوی طاقدیس

ملا احمد نراقی واقعه کربلا را در بخش‌های پایانی مثنوی طاقدیس به صورت منظوم و مفصل به تصویر کشیده است. این بخش‌ها که گویی اوج و فرجام منظومه اوست، با نظمی دقیق و بر اساس مستندات تاریخی، سیر حرکت امام حسین(ع) از مدینه تا واقعه شهادت او را روایت می‌کند.



نقاشی پرده مصیبت کربلا به سبک قهوه‌خانه‌ای اثر حسین قولر آقاسی
در سال ۱۳۳۰ شمسی

۳-۱. پیغام آوردن جبرئیل به حضرت رسول(ص) از شهادت امام حسین(ع)

بخش مربوط به روایت ملا احمد از امام حسین(ع) با عنوان «پیغام آوردن جبرئیل به حضرت رسول و شهادت امام حسین(ع)» آغاز می‌شود. نراقی در این بخش، خبر شهادت امام حسین(ع) را از زبان جبرئیل به پیامبر(ص) می‌رساند. شاعر، این قسمت را به صورت متقن، موثق و مستند از کتاب‌های روایی و تاریخی شیعه ملاحظه کرده و آن را به نظم درآورده است. این کار در زمان او بسیار ارزشمند بود، زیرا متأسفانه برخی منابعی که در مورد سیدالشهداء(ع) در زمان قاجار نوشته شده است، تناقضات فراوانی با روایات تاریخی دارند و به صورت غیرمستند و

ذوقی نوشته شده‌اند، اما ملا احمد این واقعه را به صورت صحیح و مستند بیان کرده است. روایت تاریخی این بخش چنین است: «ام‌سلمه گوید: یکی از روزها حضرت رسول نشسته بود و حسین (علیه‌السلام) نیز در دامن او بود، در این هنگام ناگهان چشمانش پر اشک شد، عرض کردم: یا رسول الله تو را گریان مشاهده می‌کنم. فرمود: جبرئیل نزد من آمد و مرا نسبت به حسین تسلیت گفت، و به من اطلاع داد که گروهی از امت من او را خواهند کشت، خداوند آنان را از شفاعت من محروم می‌گرداند.»^{۷۶} ابیات مربوط به وصف این واقعه در مثنوی ملا احمد چنین است:

بود روزی آن رسول سرفراز	در درون حجره خلوتگاه راز
کآمد از دربار عزت جبرئیل	کاروان ملک سرمد را دلیل
گفت بعد از صد سلام و صد درود	کای وجودت هر دو عالم را گشود
لیک می‌خواهم من از تو کشته‌ای	هم به همراهش ز کشته پشته‌ای
ای حبیب مجتبی‌ای پاک من	بی سر از تو کی سزد فتراک من
با پیام آور چنین گفت آن هم‌ام	ای سر و جانم فدای این پیام
این سر من این تن و این جان من	جملگی قربان آن سلطان من
اهل بیتم جملگی آن توانند	جان به کف در راه قربان توانند
این من و این عترت و این آل من	کو منی کو عید ما ای ذوالمنن
هین بفرما در کجا و چون کنم	تو یکی گو من دو صد افزون کنم ^۹

۲-۳. ورود شاه دین به زمین کربلا

در بخش دیگر این مثنوی، ملا احمد نراقی به ورود سیدالشهداء (ع) به زمین

۶- شیخ مفید؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۳۰

۷- طبرسی؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۲۱۷

۸- ابن جوزی؛ تذکرة الخواص من الامة فی ذکر خصائص الائمة، ص ۲۲۵

۹- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۱۶

کربلا اشاره می‌کند و باز هم بر اساس مستندات تاریخی سخنانی که امام(ع) هنگام ورود به کربلا گفته‌اند را با زبان شعر بازگو می‌کند. در روایات‌های تاریخی آمده است: «زمانی که امام حسین علیه السلام به آن زمین رسیدند، پرسیدند: این سرزمین چه نام دارد؟ جواب دادند: قادسیه، حضرت دوباره پرسیدند: آیا نام دیگری دارد؟ عرض کردند: نینوا. حضرت باز فرمودند: آیا نام دیگری دارد؟ عرض کردند: به این سرزمین طَفّ نیز می‌گویند، فرزند رسول خدا دوباره پرسیدند: دیگر چه نام دارد؟ عرض کردند: این سرزمین را کربلا نیز می‌گویند. چون حضرت نام کربلا را شنیدند، فرمودند: «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْکَرْبِ وَ الْبَلَاءِ» (خدایا! پناه می‌برم بر تو از سختی و بلا).^{۱۰} همچنین، در جایی دیگر، حضرت امام حسین(ع) می‌فرمایند: «این سرزمین سختی و بلا است. پیاده شوید. این همان سرزمینی است که کاروان ما در آن فرود می‌آید، خون ما در آن ریخته می‌شود و آرامگاه ما خواهد بود. این خبری است که جدّم رسول خدا(ص) به من اطلاع داده است.»^{۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴}

ملا احمد این واقعه را در مثنوی خود چنین سروده است:

شاه پرسید این زمین را نام چیست	آن که اینجا را شناسد نام کیست
آن یکی گفت این زمین نینواست	نام آن هم ماریه هم کربلاست
گفت نی نی نینوا نی قتلگاست	کربلا نی منزل کرب و بلاست
کربلا نی هم منای ماست این	این سر کوی وفای ماست این
کشتی ما را در اینجا لنگر است	منزل ما تا صبح محشر است
هان بخوابانید اشترها کنون	ای زنان آبیید از هودج برون ^{۱۵}

۱۰- شیخ عباس قمی؛ منتهی الآمال، ص ۳۵۴

۱۱- ابن طاووس؛ اللموف علی قتلی الطفوف، ص ۸۰

۱۲- ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۹۷

۱۳- خوارزمی؛ مقتل الحسین(ع)، ج ۱، ص ۳۳۴

۱۴- اربلی؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۷

۱۵- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاقدیس، ص ۴۲۱

۳-۳. خطاب حضرت سیدالشهداء (ع) با اصحاب کبار خود در شب عاشورا

در تواریخ آمده است که امام (ع) در شب عاشورا، بیعت از یاران خویش برمی‌دارند و اجازه بازگشت به ایشان می‌دهند، اما یاران قبول نمی‌کنند و می‌گویند: «زندگی پس از تو ننگمان باد.»^{۱۶} در مثنوی طاق‌دیس چنین می‌بینیم:

بیعت خود از شما برداشتم	من شما را با شما بگذاشتم
این شب تار است و دشت بی کران	راه‌ها پیدا به اطراف جهان
جمله گفتند ای خلیفه کردگار	ای جمال حق ز رویت آشکار
ای تو را رخ مظهر نور جمال	گردش چشم تو آثار جلال
ای پناه خلق، یعسوب عرب	ای اسیر کرب کشف هر کرب
ما همه جسمیم و جان ما تویی	ما همه لفظیم و آن معنی تویی
جسم اگر قربان شود در راه جان	عیسی آسا می‌رود تا آسمان
نور از نور مه افزون شود	مه چه باشد من ندانم چون شود
جسم و جان ما فدای جان تو	هر چه باشد جز یکی قربان تو
کشته گشتن در رهت خوش تر بدی	زان حیات جاودان سرمدی ^{۱۷}

پیش از این واقعه نیز امام (ع) یاران خود را ستایش کرده‌اند. علامه مجلسی و طبری در این مورد چنین آورده‌اند: «فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْلَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبْرَ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي جَمِيعاً خَيْرًا.»^{۱۸ ۱۹} من یارانی برتر و بهتر از اصحاب خود سراغ ندارم و اهل بیتی نیکوکارتر، و به خویشاوندی پای‌بندتر از اهل بیتم نمی‌شناسم؛ خداوند به همه

۱۶- محمدباقر بهبهانی؛ الدمعة الساکبة فی احوال النبی و العترة الطاهرة، ج ۴، ص ۲۷۱

۱۷- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۲۳

۱۸- مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۳۹۲

۱۹- طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۱۷

شما پاداش خیر عنایت فرماید. و ملا احمد آن را چنین سروده است:

گفت با ایشان که ای آزادگان ای همه از طینت ما زادگان
ای همه از خاک علین پاک ای همه در خاک مهر تابناک^{۲۰}

۳-۴. خطاب حضرت سیدالشهداء (ع) با اصحاب خود در صبح عاشورا و آماده شدن برای قتال

ابن عساکر در «تاریخ دمشق»، به نقل از بشر بن طانحه، مردی از قبیله همدان، آورده است که امام (ع) در صبح عاشورا فرموده‌اند: «بندگان خدا! از خدا پروا کنید و از دنیا برحذر باشید که اگر دنیا برای کسی می‌ماند و کسی در آن می‌ماند، پیامبران سزاوارترین افراد به ماندن و سزامن‌تر به خشنود شدن از قضای الهی و خشنودتر به آن بودند؛ اما خدای متعال دنیا را برای آزمایش و اهلش را برای نابودی آفریده است. نوی آن کهنه و نعمتش زایل و شادی‌اش تلخ می‌شود. سرای آن، فقط برای رسیدن، و خانه‌اش برای دل‌کندن است. توشه بگیرید که بهترین توشه تقوا است و پروا کنید، شاید که رستگار شوید.»^{۲۱} نراقی در این مورد چنین سروده است:

گفت با ایشان شه ملک بقا ای سرافرازان میدان بقا
دوست گویا طور دیگر خواسته بزم دیگر بهرتان آراسته
این جهان خاکست و جای خاکیان نوریان را هست علین مکان
دور را اکنون زمان دی بود فصل فروردینش آیا کی بود
رخصت است اما پی جان باختن جان فدای حکم جانان ساختن
رخصت است اما به میدان رضا تا چه باشد حکم سلطان قضا^{۲۲}

۲۰- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۲۳

۲۱- ابن عساکر؛ تاریخ دمشق؛ ج ۱۴، ص ۲۱۸

۲۲- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۲۷

در اخبار آمده است که هر چه یاران امام (ع) به شهادت نزدیک می‌شدند، روی‌شان گلگون‌تر می‌شد. شیخ صدوق در «معانی الأخبار» از امام زین‌العابدین (ع) نقل می‌کند: «چون کار بر حسین علیه‌السلام سخت شد، همراهانش به او نگریستند و او حالی متفاوت داشت. همراهانش هر چه کار سخت‌تر می‌گشت، رنگشان دگرگون می‌شد و مضطرب می‌شدند و دل‌هایشان به تپش می‌افتاد، اما امام (ع) و برخی یاران ویژه‌اش، رنگشان گلگون می‌شد و اندامشان آرامش می‌یافت و جان‌هایشان قرار می‌گرفت. برخی به برخی دیگر گفتند: بنگرید که او باکی از مرگ ندارد! امام حسین علیه‌السلام به آنان فرمود: «ای بزرگ‌زادگان! شکیا باشید. مرگ، جز پلی نیست که شما را از سختی و ناخوشی به سوی بهشت پُرگستره و نعمت جاویدان عبور می‌دهد. کدامتان خوش ندارد که از زندان به قصر منتقل شود؟ و آن برای دشمنانتان مانند انتقال از قصر به زندان و شکنجه شدن است. پدرم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد: دنیا، زندان مؤمن و بوستان کافر است و مرگ پل مؤمنان به بهشت‌هایشان و پل کافران به سوی دوزخ است. نه دروغ می‌گویم و نه به من دروغ گفته شده است.»^{۲۳} ملا احمد نراقی در این باب چنین سروده است:

چون شنیدند این سخن از آن جناب	پا نهادند از نشاط اندر رکاب
رو به میدان شهادت تاختند	غلغل اندر شش جهت انداختند
خود و خفتان از سر و بر ریختند	گرد از میدان کین انگیختند
جان به لب سر بر کف از ملک جهان	رخشها راندند سوی لامکان
بر بروها چین و دندانها به لب	تیغ بر کفها و دلها پر طرب
رخشها در قلب میدان تاختند	تیغها بر حزب شیطان آختند
کفر و دین بر یک‌دگر آمیختند	رشته‌های جان هم بگسیختند
جمله سرها بر کف و جانها به لب	رو نهادی سوی میدان با طرب
می‌نگنجیدند از شادی به پوست	سر سپردندی به دشمن جان به دوست ^{۲۴}

۲۳- شیخ صدوق؛ معانی الأخبار؛ ج ۳، ص ۲۸۸

۲۴- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۲۷



صبح روز عاشورا اثر عبدالحمید قدیریان

۳-۵. شهادت حضرت علی اصغر(ع) در میدان بر روی دست حضرت

در مورد شهادت علی اصغر(ع)، فرزند کوچک امام(ع)، دو نقل در تاریخ وقایع عاشورا وجود دارد: یک نقل از شیخ مفید به این صورت است که امام(ع) در حال وداع با فرزندشان بودند و حرم‌له بن کاهل اسدی، فرزند امام(ع) را هدف تیر قرار می‌دهد.^{۲۵} نقل دیگر از سید ابن طاووس و دیگر مؤرخان است که حضرت امام حسین(ع) برای تمام کردن حجت بر دشمن، فرزندشان را به میدان می‌آورند و درخواست آب می‌کنند و در این وضعیت است که علی اصغر(ع) به شهادت می‌رسد.^{۲۶} ملا احمد نراقی در روایت این واقعه، به نقل سید ابن طاووس پایبند است:

هان بیارید آن یکی فرزند من	وان یکی نوباوه دل‌بند من
هین بیاریدش به قربانگه برم	بهر مهمانی به سوی شه برم
مادرش را گر به پستان نیست شیر	شیر جوشد از دم پیکان تیر
پس نهاد آن طفل بر قریوس زین	با نشاط آمد سوی میدان کین
پس به کف بگرفت آن دردانه را	سوخت هم دل خویش و هم بیگانه را
شربت آبی طلب کرد از عدو	تا مگر تر سازد آن کودک گلو ^{۲۷}

۲۵- شیخ مفید؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۱۰۸

۲۶- سید ابن طاووس؛ لهوف، ص ۱۴۹

۲۷- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۲۹



لحظه شهادت علی اصغر(ع)، اثر محمدعلی نادری، ۱۴۰۱ش

۳-۶. اجازه خواستن حضرت علی اکبر(ع) از امام(ع) برای رفتن به میدان

بعد از شهادت اصحاب امام(ع)، اولین فردی که از بنی هاشم به میدان می‌رود، فرزند بزرگ امام(ع)، علی اکبر(ع) است. ایشان اجازه می‌خواهند و امام حسین(ع) بدون درنگ اجازه می‌دهند. بخشی از سروده ملا احمد در این باره چنین است:

ای پدر هنگام رخصت دیر شد	دل از این ویرانه دیرم سیر شد
تا به کی بینم همالان سینه چاک	آن یکی در خون و آن دیگر به خاک
تا به کی بینم تو را تنها و فرد	اندر این صحرا میان صد نبرد
رخصتی ده تا کشم تیغ از نیام	آتش اندازم در این قوم لئام
شاهزاده پیش آن شاه ایستاد	سر برهنه کرد و در پایش فتاد
با پدر می‌گفت کای سلطان من	چیست سلطان ای تو جان جان من ^{۲۸}

پس از روانه شدن او به میدان، امام(ع) چنین فرمودند: «بارالها، شاهد باش جوانی که در صورت و سیرت و گفتار شبیه‌ترین مردم به پیامبرت بود به جنگ این مردم می‌رود. خداوندا، ما هرگاه مشتاق دیدار پیامبرت می‌شدیم، جمال این جوان

را مشاهده می‌کردیم.»^{۲۹} شبیه بودن علی اکبر (ع) به پیامبر (ص)، مورد توجه لشکر دشمن نیز قرار گرفته است. ملا احمد آورده است:

دیده بگشودند ناگه آن سپاه	عالمی دیدند پر نور اله
دیده‌هاشان خیره شد از آن جمال	سینه‌هاشان چاک چاک از آن جلال
بانگ تکبیر و تبارک زان گروه	غلغله افکند در صحرا و کوه
آن یکی گفتا که پیغمبر رسید	گفت آن یک شیر حق حیدر رسید
ای امیران بنگرید این شاه کیست	شاه چه بود آیت الله کیست ^{۳۱}



نقاشی جنگ تاریخی روز عاشورا (حضرت علی اکبر) به سبک قهوه‌خانه‌ای
اثر حسن اسماعیل زاده آقاسی

۴. نتیجه‌گیری

در این نوشتار، نحوه مواجهه ملا احمد نراقی با واقعه عاشورا در مثنوی طاق‌دیس، که در میان منظومه‌های عاشورایی ادب فارسی جایگاهی ممتاز دارد، بررسی و

۲۹- خوارزمی؛ مقتل الحسین (ع)؛ ج ۲، ص ۳۴

۳۰- سید ابن طاووس؛ لهوف، ص ۱۱۳

۳۱- ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس، ص ۴۳۰

تحلیل شد. آنچه این اثر را از دیگر سروده‌های هم‌عصر و پیش از خود متمایز می‌سازد، پایبندی استوار ملا احمد به مستندات تاریخی و روایی معتبر شیعه در نقل واقعه کربلاست. او در عصری می‌زیست که برخی از منابع نوشته‌شده درباره سیدالشهداء (ع) و نحوه شهادت ایشان، دچار تحریف و انحرافات گشته بودند، اما ملا احمد نراقی، روایت خود را بر اساس کتب مؤثقی چون: آثار شیخ مفید، طبرسی، ابن طاووس و دیگر محدثان بزرگ شیعه استوار ساخته و از نقل گزارش‌های سست و غیرمعتبر پرهیز کرده است. این ویژگی، مثنوی طاق‌دیس را در زمره آثار قرار می‌دهد که علاوه بر ارزش ادبی، از اعتبار تاریخی و حدیثی نیز برخوردارند و می‌تواند به عنوان منبعی معتبر در کنار کتب تاریخی مورد استفاده قرار گیرد. در واقع، می‌توان گفت که نراقی در این منظومه، علاوه بر سرودن اثری ادبی و عرفانی، گامی بلند در جهت تبیین صحیح واقعه عاشورا بر اساس منابع معتبر تاریخی شیعه برداشته و در عین حال، با نگاه نوآورانه و هنرمندانه خود، تحولی اساسی در شعر عاشورایی در ادب فارسی پدید آورده است.



تابلو عصر عاشورا، اثر استاد محمود فرشچیان

منابع

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶.
- ابن طاووس، الیهوف علی قتلی الطفوف. قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.
- ابن جوزی، یوسف بن قراوغلی، تذکرة الخواص من الامة فی ذکر خصائص الائمة، قم: مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۱۷ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۳ق.
- بهبهانی، محمدباقر، الدمعة الساکبة فی احوال النبی و العترۃ الطاهرة، بیروت: مؤسسه علمی، ۱۴۱۸ق.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان، قصص العلماء، تهران: علمی فرهنگ، ۱۴۰۲.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل الله، تاریخ ذوالقرنین، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
- خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین (ع)، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.
- خوشنیت، مرتضی؛ و جمالی، شهرز، «مقایسه مثنوی طاقدیس ملا احمد راقی با مثنوی مولوی از منظر فرم و محتوا»، عرفان پژوهی در ادبیات، سال اول، شماره یکم، بهار ۱۴۰۱، ۱۰۸-۱۴۱.
- شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، ۱۳۷۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۳۷۵.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، تهران: اساطیر، ۱۴۰۲.
- قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، تهران: آزادی، ۱۳۹۳.
- کدیور، محسن، نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران: نی، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۶۲.
- نراقی، ملا احمد، مثنوی طاقدیس، قم: نهانندی، ۱۳۸۱.